



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

صلايت و مدارا
در سيروه
امام كاظم عليه السلام

شمس الله ايلامى



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صلابت و مدارا در سیره امام کاظم علیه السلام

نویسنده:

شمس الله ایلامی

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	صلابت و مدارا در سیره امام کاظم علیه السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	صلابت امام کاظم
۷	امام کاظم و قیام فح
۷	صلابت در اجرای حدود
۷	ممنوعیت بازی با مقدسات
۸	عدم سازش بر سر اصول
۸	اقتدار دینی
۸	مبارزه با کاخ نشینی
۸	مبارزه با عوام فریبی هارون
۹	نتیجه‌ی توهین به مقام ولایت
۹	امام و مبارزه با ترویج افکار باطل
۱۰	امام کاظم و مبارزه با لاهو و لعب
۱۰	امام و مبارزه با خرافات
۱۰	نمونه‌هایی از مدارای امام موسی بن جعفر
۱۰	اشاره
۱۰	امام و حفظ آبروی دیگران
۱۱	پاورقی
۱۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

صلابت و مدارا در سیره امام کاظم علیه السلام

مشخصات کتاب

عنوان: صلابت و مدارا در سیره امام کاظم (علیه السلام)

پدیدآورندگان: امام هفتم موسی بن جعفر (ع) (توصیف گر)

شمس الله ایلامی (پدیدآور)

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

صاحب محتوا: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان

توصیفگر: مدارا

صلابت

وضعیت نشر: قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷

ویرایش: -

خلاصه:

مخاطب:

یادداشت: ،ملزومات سیستم: ویندوز ۹۸+؛ با پشتیبانی متون عربی؛ +IE۶ شیوه دسترسی: شبکه جهانی وبعنوان از روی صفحه

نمایش عنوان داده های الکترونیکی منشأ مقاله: ماهنامه کوثر، شماره ۳۹، خرداد ۱۳۷۹

شناسه: [oai:tebyan.net/۵۹۸۸](http://oai.tebyan.net/۵۹۸۸)

تاریخ ایجاد رکورد: ۱۳۸۷/۱۲/۱

تاریخ تغییر رکورد: ۱۳۸۷/۱۲/۱

تاریخ ثبت: ۱۳۸۹/۶/۲۸

قیمت شیء دیجیتال: رایگان

مقدمه

یکی از بحث‌هایی که امروزه مورد توجه گروهی از افراد جامعه قرار گرفته، مسأله‌ی تسامح و تساهل در دین است. این افراد دو دسته‌اند: الف- مغرضان، کج اندیشان و التقاطی مذهب‌ان که شناخت درستی از دین نداشته، هرچه به نفع نیات پلید خود باشد، می‌پذیرند و با سلاح تسامح به جنگ دین می‌آیند. ب- متدینان ساده و خوش باور که بدون تأمل در گفته‌های دیگران، اسلام را دین سهل و سبب دانسته، ناخواسته آب در آسیاب دشمن می‌ریزند؛ اینان چون متحجران خوارچند که کاغذ پاره‌های برسر نی را اساس قرآن دانستند و در مقابل قرآن ناطق ایستادند. از آنجا که اگر اسلام از چشمه‌ی زلال اهل بیت به ما نرسد نه تنها، شفا بخش نبوده، بلکه سمی مهلک خواهد بود، به نظر می‌رسد درباره‌ی مسأله‌ی تساهل و تسامح دینی نیز باید به پیشوایان معصوم علیهم‌السلام پناه برد تا ما را از زلال خویش سیراب سازند. بررسی ابعاد مختلف سیره‌ی این بزرگواران حد و مرز تساهل و تسامح را

به خوبی روشن می‌سازد. این نوشتار سیره‌ی امام موسی بن جعفر (ع) در این باره را به اختصار بررسی می‌کند. دوران امامت این امام همام از سال ۱۴۸ ه.ق که حضرت امام صادق (ع) به شهادت رسید. آغاز شد آن حضرت در این دوران با چهار خلیفه‌ی سفاک به مقابله پرداخت: منصور دوانیقی، مهدی عباسی، هادی و هارون الرشید خلفای جلاد بنی عباس در این عصر بودند. سیره امام کاظم (ع) نشان می‌دهد آنجا که بحث دفاع از دین مطرح است امام تا مرز شهادت پیش می‌رود و ذره‌ای سیاسی کاری و تساهل و سازش در وجود مبارکش پیدا نمی‌شود. امام از دو سلاح تقیه و زندان برای دفاع از دین استفاده می‌کند و در جاهایی که مبسوط الید باشد به ترویج و اقامه‌ی احکام دین می‌پردازد. آنچه به عنوان مدارا و تساهل در زندگی امام کاظم (ع) رخ داده است، به زندگی شخصی و گذشت و ایثار آن حضرت مربوط است. نمونه‌های زیر گوشه‌ای از برخورد قاطع امام کاظم (ع) در جهت عزت و صلابت دینی، اقامه‌ی عدل و برپایی حدود الهی است.

صلابت امام کاظم

امام کاظم و قیام فح

قیام و نهضت فح که در نتیجه ستم بسیار دستگاه خلافت به علویان و شیعیان رخ داد. با روش پیشوای هفتم بی‌ارتباط نبود: زیرا آن حضرت نه تنها از آغاز تا تشکیل نهضت از آن اطلاع داشت بلکه با رهبر آن (حسین شهید فح) نیز در تماس و ارتباط بود. امام هنگامی که احساس کرد حسین در تصمیم خود برای مبارزه با دستگاه ستم پیشه استوار است، به او فرمود: «گرچه شهید خواهی شد ولی باز در جهاد و پیکار کوشا باش. این گروه (عباسیان) مردمی پلید و بدکارند که اظهار ایمان می‌کنند ولی در باطن ایمان و اعتقادی ندارند. من در این راه پاداش شما را از خدای بزرگ می‌خواهم.» [۱]. هادی عباسی که می‌دانست قیام فح بدون مشورت و چراغ سبز امام کاظم (ع) صورت نگرفته است، امام را به قتل تهدید کرد و گفت: به خدا سوگند، حسین به دستور موسی بن جعفر بر ضد من قیام و از او پیروی کرده، زیرا پیشوای این خاندان، کسی جز موسی بن جعفر نیست. خدا مرا بکشد، اگر او را زنده بگذارم. [۲].

صلابت در اجرای حدود

یکی از ویژگی‌های مهم حکومت اسلامی، اجرای حدود بدون هیچ ملاحظه و مسامحه است. اگر در نظامی حدود برای توده مردم که دستشان به جایی نمی‌رسد. به شدیدترین وجه جاری شود ولی وقتی نوبت به دانه درشت‌ها می‌رسد، هزار و یک حيله برای تخفیف مجازات آنان به کار رود، آن نظام از اسلام دور شده است. امام کاظم (ع) در مورد اجرای حدود می‌فرماید: منفعت اقامه حد برای خداوند در روی زمین از بارش چهل روز باران بیشتر است. و این که در قرآن آمده است: (یحیی الارض بعد موتها) خداوند زمین مرده را زنده می‌کند. منظور زنده کردن به وسیله‌ی قطرات باران نیست، بلکه منظور این است که خداوند مردانی را در روی زمین بر می‌گزیند تا عدالت را بر پا دارند و با اقامه‌ی عدل زمین را زنده کنند. [۳]. اسحاق بن عمار می‌گوید: از امام موسی بن جعفر (ع) در مورد چگونگی و کیفیت اجرای حد بر شخص زناکار پرسیدم، فرمود: شدیدترین نوع تازیانه بر او زده شود.

ممنوعیت بازی با مقدسات

امام موسی بن جعفر (ع) می‌فرماید: اگر کسی نزد حاکم فاسقی برود و برای این که دنیايش آباد شود، آیاتی از قرآن را برایش بخواند، به خاطر هر حرفی که از دهانش خارج می‌شود، ده بار لعنت می‌گردد. [۴].

عدم سازش بر سر اصول

روزی هارون الرشید به امام موسی بن جعفر (ع) عرض کرد: می‌خواهم فدک را به تو برگردانم. امام فرمود: من فدک را نمی‌خواهم مگر با حدود آن. هارون گفت: حدود آن را مشخص کن. امام فرمود: اگر حدودش را بگویم آن را به من نخواهی داد. هارون اصرار کرد و گفت فدک را با حدودش به امام خواهد بخشید. امام فرمود: حد اول فدک، عدن است. هارون با شنیدن این جمله درهم کشیده شد. امام فرمود: حد دوم آن سمرقند و حد سوم آن آفریقا و حد چهارم آن نواحی دریای خزر و ارمنستان است. هارون الرشید در حالی که به شدت عصبانی شده بود، گفت: با این حال چیزی برای ما باقی نمی‌ماند. امام فرمود: من از اول گفتم: اگر فدک را بخواهم با حدود آن است و تو آن را به ما نخواهی داد. [۵]. این حدیث نشان می‌دهد که قضیه فدک رمز حکومت عدل است و امام با بیان این مطلب بر حکومت بنی‌عباس خط بطلان کشید.

اقتدار دینی

در یکی از سالها، هارون الرشید برای انجام اعمال حج به مکه رفت. اطرافیان خلیفه مسجدالحرام را خلوت کرده، مانع طواف دیگران شدند. در این هنگام، امام موسی بن جعفر (ع) در کسوت مردی که لباس اعراب بیابانی را به تن داشت، وارد شد و بدون توجه به امر و نهی اطرافیان خلیفه به طواف پرداخت و فرمود: اینجا مکانی است که خداوند بین همه مردم از خلیفه و غیر خلیفه تساوی برقرار کرده است. جالب توجه این که امام در طواف جلوتر از هارون قرار گرفت و هارون پشت سر امام طواف به جای آورد. هنگام استلام حجرالاسود نیز امام قبل از هارون حجر را استلام کرد. بعد از تمام شدن اعمال، هارون که امام را نمی‌شناخت. گفت: این اعرابی را بیاورید تا علت کارهایش را بازگو کند. وقتی به امام عرض کردند هارون او را خواسته است. امام فرمود: من با او کاری ندارم. اگر او کار دارد، پیش من بیاید. [۶].

مبارزه با کاخ نشینی

روزی امام کاظم (ع) وارد یکی از کاخهای هارون در بغداد شد. هارون به قصر خود اشاره کرده و با نخوت و تکبر پرسید: این قصر از آن کیست؟ (هدف او از این کار آن بود که شکوه و قدرت خود را به رخ امام بکشد.) حضرت بدون آن که کوچکترین اهمیتی به کاخ پرزرق و برق او دهد، با کمال صراحت فرمود: این خانه، خانه‌ی فاسقان است. همان کسانی که خداوند درباره‌ی آنان می‌فرماید: «به زودی کسانی را که در زمین به ناحق کبر می‌ورزند و هرگاه آیات الهی را ببینند، ایمان نمی‌آورند و اگر راه رشد و کمال را ببینند، آن را در پیش نمی‌گیرند. ولی هرگاه راه گمراهی را ببینند، آن را طی می‌کنند، از آیات منصرف نخواهم کرد. زیرا آنان آیات ما را تکذیب کرده، از آن غفلت ورزیده‌اند.» هارون الرشید از این پاسخ سخت ناراحت شد و در حالی که خشم خود را به سختی پنهان می‌کرد با التهاب پرسید: پس این خانه از آن کیست؟ امام بی‌درنگ فرمود: این خانه ملک شیعیان و پیروان ما است، ولی دیگران آن را با زور تصاحب کرده‌اند. این خانه در حال عمران و آبادی از صاحب اصلی‌اش گرفته شده است و هر وقت بتواند آن را آباد سازد، پس خواهد گرفت. [۷].

مبارزه با عوام فریبی هارون

یکی از شگردهای تبلیغاتی دستگاه خلافت، مسأله انتساب هارون به خاندان رسالت بود و شخص هارون بر این مسأله بسیار تکیه می‌کرد. او روزی وارد مدینه شد و سمت قبر پیامبر اکرم (ص) رهسپار گردید. هنگامی که به حرم رسید و انبوه جمعیت را دید، رو

به قبر پیامبر کرد و گفت: درود بر تو ای پیامبر خدا، درود بر تو ای پسرعمو. او این کلمات را با صدای بلند گفت تا مردم بدانند خلیفه پسرعموی پیامبر است. در این هنگام امام هفتم (ع) که در آن جمع حاضر و از هدف هارون آگاه شده بود. نزدیک قبر پیامبر رفت و با صدای بلند فرمود: درود بر تو ای پیامبر خدا (ص)، درود بر تو ای پدر. هارون از این سخن سخت ناراحت شد، رنگ صورتش تغییر یافت و بی اختیار گفت: واقعاً این افتخار است. [۸]. هارون نه تنها کوشش می کرد انتساب خویش به مقام رسالت را به رخ مردم بکشد، بلکه به وسایلی می خواست پیامبرزادگی این پیشوایان بزرگ را نیز انکار کند. او روزی به امام کاظم (ع) گفت: شما چگونه ادعا می کنید فرزند پیامبرید در حالی که فرزندان علی (ع) هستید. زیرا هر کس به جد پدری خود منسوب می شود، نه جد مادری؟! امام کاظم (ع) در پاسخ آیه‌ای را تلاوت فرمود که خداوند ضمن آن می فرماید: «... و از نژاد ابراهیم، داوود، سلیمان، ایوب، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس را که همگی از نیکان و شایستگانند. هدایت کردیم.» آنگاه فرمود: در این آیه، عیسی از فرزندان پیامبران پیشین شمرده شده است در صورتی که او پدر نداشت و تنها از طریق مادرش مریم نسبتش به پیامبران می رسید. پس به حکم این آیه، فرزندان دختری نیز فرزند شمرده می شوند. ما نیز به واسطه‌ی مادرمان حضرت زهرا (س) فرزند پیامبریم. [۹]. در مناظره‌ی مشابه دیگری، امام در پاسخ به این پرسش که چرا شما خود را فرزندان رسول خدا (ص) می نامید؟ فرمود: ای هارون! اگر پیامبر زنده شود و دختر تو را برای خود خواستگاری کند، آیا دخترت را به پیامبر تزویج می کنی؟ هارون گفت: نه تنها تزویج می کنم بلکه با این وصلت به تمام عرب و عجم افتخار می کنم. امام فرمود: ولی این قضیه در مورد من صادق نیست. نه پیامبر (ص) دختر مرا خواستگاری می کند و نه من دخترم را به او تزویج می کنم. زیرا من از نسل اویم و این ازدواج حرام است. ولی تو از نسل پیامبر نیستی. [۱۰].

نتیجه‌ی توهین به مقام ولایت

هارون از ساحری خواست وقتی امام کاظم (ع) کنار سفره‌ی غذا نشست، کاری کند اهل مجلس به ایشان بخندند و امام کوچک شود. وقتی سفره حاضر شد خادم امام (ع) دست برد که نان را بردارد و نزد امام بگذارد، نان پدید و هارون و اهل مجلس خندیدند. در این لحظه، امام به تمثال شیری که بر پرده‌ای در اتاق نقاشی شده بود، اشاره کرده و فرمود: ای شیر خدا، دشمن خدا را بگیر. تمثال به صورت شیر واقعی در آمده و ساحر را پاره پاره کرد و بلعید. هارون و اطرافیانش از دیدن این صحنه از هوش رفتند. چون به هوش آمدند، هارون عرض کرد: کاری کنید تا ساحر زنده شود. امام فرمود: اگر عصای موسی آنچه بلعیده بود، برگرداند، این تمثال شیر نیز چنین خواهد کرد. [۱۱] در این قضیه اهمیت جایگاه امامت و ولایت به خوبی روشن می شود. زیرا امام در این مجلس به عنوان رهبری و امامت تشیع مورد اهانت قرار گرفت نه به عنوان شخص. به همین جهت نیز با قاطعیت به مقابله پرداخت.

امام و مبارزه با تزویج افکار باطل

هشام بن سالم می گوید: من و ابوجعفر (مؤمن طاق) بعد از وفات امام صادق (ع) در مدینه بودیم. مردم می گفتند: بعد از امام صادق (ع)، عبدالله امام است، زیرا او پسر بزرگ است. ما بر عبدالله وارد شدیم، دیدیم مردم گرد او جمع شده‌اند. ما چنان که قبلاً از پدرش می پرسیدیم، در مورد زکات و مقدار آن از او پرسیدیم، گفت: در دویست درهم، پنج درهم و در صد درهم، دو و نیم درهم. گفتیم: حتی مرجه هم چنین حرفی زده است، در حالی که حیران بودیم از نزد او بیرون آمدیم. من و ابوجعفر در کوزه‌های مدینه سرگردان بودیم و نمی دانستیم کجا برویم و از چه کسی بپرسیم. با خود گفتیم: آیا به سوی مرجه رویم یا به سوی قدریه یا زیدیه یا معتزله و یا خوارج؟ در دریای این افکار غوطه ور بودیم که پیرمردی به من اشاره کرد تا همراهش بروم. با نگرانی از این که مبادا این پیرمرد از اعوان و انصار دستگاه خلافت باشد، به دنبالش راه افتادم. پیرمرد مرا به خانه‌ی موسی بن جعفر (ع) هدایت

کرد. حضرت خطاب به من فرمود: به سوی من بیا نه به سوی مرجئه و نه قدریه و نه زیدیه و نه معتزله و نه خوارج، به سوی من. [۱۲].

امام کاظم و مبارزه با لهو و لعب

علامه حلی در کتاب «منهاج الکرامه» آورده است که روزی امام موسی بن جعفر (ع) از در خانه‌ی بشر حافی در بغداد می‌گذشت، صدای ساز و آواز و غنا و نی و رقص از خانه بشر بلند بود. در این هنگام کنیزکی از خانه بیرون آمد تا خاکروبه بیرون بریزد. حضرت به او فرمود: آیا صاحب این خانه آزاد است یا بنده؟ کنیزک گفت: آزاد است. امام فرمود: راست گفتی، اگر بنده بود از مولایش می‌ترسید. کنیزک چون برگشت، بشر علت دیر آمدنش را پرسید. کنیز حکایت را باز گفت. بشر با پای برهنه بیرون دوید، خود را به حضرت رسانده، عذر خواست و به دست آن حضرت توبه کرد. بعد از آن هرگز کفش نپوشید و همیشه پا برهنه راه می‌رفت. [۱۳].

امام و مبارزه با خرافات

ابن شهر آشوب می‌گوید: منصور دوانیقی در یکی از روزهای نوروز از امام دعوت کرد تا به مناسبت عید نوروز در مجلس شرکت کند. امام فرمود: من در اخباری که از جدم رسول خدا (ص) وارد شده، سندی برای این عید نیافتم. این عید، سنت فارسیان است و اسلام آن را محو کرده است. پناه می‌برم بر خدا از آن که احیا کنم چیزی را که اسلام محو کرده باشد. [۱۴].

نمونه‌هایی از مدارای امام موسی بن جعفر

اشاره

در مورد مدارای معصومان علیهم السلام با مخالفان، به ویژه کسانی که از روی نادانی و جهالت به آنان اسائهی ادب می‌کردند، روایات متعددی رسیده است. در مورد امام کاظم (ع) نیز نگاهی به صفات او، همین مطلب را ثابت می‌کند. او را «کاظم» می‌گویند، زیرا درباره‌ی مسایل شخصی از کسی خشمگین نشد. در تاریخ آمده است که یکی از مخالفان امام را بسیار می‌آزرد و حتی به ایشان دشنام می‌داد. صبر یاران امام به سر آمد و به ایشان عرض کردند: اجازه دهید او را به سزای عملش برسانیم. امام از این کار نهی کردند و نشانی آن مرد را پرسیده، سوار بر مرکبی شد و به سوی مزرعه‌ی وی در خارج از مدینه رهسپار گردید. به محض این که مرکب امام وارد مزرعه شد، آن شخص شروع به فحاشی کرد که چرا وارد مزرعه‌ی من شده‌ای؟ امام (ع) فرمود: ارزش مزرعات چقدر است و امید داری امسال چه مقدار سود ببری؟ گفت: روی هم دویست اشرفی. امام سیصد اشرفی به او داد و با روی گشاده چند کلمه‌ای با او صحبت کرد. آن شخص از رفتار زشت خویش پشیمان شد و از امام عذر خواست. روز بعد آن شخص را در مسجد نشسته یافتند. چون چشمش به امام افتاد، عرض کرد: «الله اعلم حیث يجعل رسالت» [۱۵]. خدا می‌داند رسالت خود را کجا و نزد چه کسی قرار دهد. [۱۶].

امام و حفظ آبروی دیگران

یکی از نزدیکان امام (ع) نقل می‌کند: شبی امام مشغول استراحت بود که ناگاه بلند شده، به سرعت از اتاق بیرون رفت. من دنبالش حرکت کردم. نزدیک دیوار حیاط شنیدم، دو نفر از غلامان امام از پشت دیوار با دو نفر از کنیزها مشغول صحبت هستند. امام وقتی

متوجه آمدن من شد، فرمود: آیا توهم حرفهای آنها را شنیدی؟ گفتم: آری. صبح حضرت آن دو غلام را به شهری و کنیزها را به شهر دیگری فرستاد تا این راز مخفی بماند و آبروی آنان حفظ شود. [۱۷].

پاورقی

- [۱] بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۶۹.
- [۲] بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۶۹.
- [۳] کافی، ج ۷، ص ۱۷۴.
- [۴] اختصاص، ص ۲۶۲.
- [۵] بحار، ج ۴۸، ص ۱۴۴.
- [۶] مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۲.
- [۷] بحار، ج ۴۸، ص ۱۳۸.
- [۸] سیره پیشوایان، ص ۴۳۱.
- [۹] همان، ص ۴۳۳.]
- [۱۰] همان، ص ۴۳۲.
- [۱۱] منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۳۰.
- [۱۲] همان، ص ۲۲۱.
- [۱۳] همان، ص ۲۱۴.
- [۱۴] همان، ص ۲۱۲.
- [۱۵] سوره انعام، آیه ۱۲۴.
- [۱۶] منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۱۱.
- [۱۷] بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۱۹، ح ۳۸.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۰۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR۹۰-۰۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

